

میدون و سوفیا

ستون خصوصی!

● **بوریا عالمی**: ما اینجا خیلی مسائل خصوصی‌مان را مطرح نمی‌کنیم، اما می‌دانید که در خاورمیانه مسئله خصوصی در ادبیات علمی - تخیلی دسته‌بندی می‌شود، چون خصوصی‌ترین مسائل شما عمومی است و مدعی پیدا می‌کند.

وزن مسئولان: خلاصه ما خواستیم بگوییم در این سال‌ها مسئولان عملا با هر سخنرانی، صبر و تحمل ملت را داماد می‌کردند، این‌قدر که ما همیشه وزن یک مسئول را روی خودمان احساس می‌کردیم، تا اینکه ما رسماً داماد شدیم. البته دامادشدن فضیلت نیست، اما به یکی گفتند چرا ازدواج کردی؟ گفت چون توی زندگی هیچی نشدم گفتم داماد شم!

ساز سرخود: بعد هم به‌هرحال سال‌هاست مسئولان هر سازی زدند ما رقصیدیم، طوری که الان نرده می‌رقصیم و هی تکرار می‌کنیم. خب، دیشب ما تصمیم گرفتیم مسئولیت مسئولان را برعهده بگیریم و یک‌بار ما بزнім دیگران برقصد.

خالی خالی: از طرفی ما ازدواج‌نکرده زیر فشار زندگی زاییده بودیم و همین زاییدن ما سبب شده بود که اطرافیان‌هی بی‌رسند - به قول فیلسوف معاصر، کلاقم‌ری - عالمی چطوری خالی خالی زاییده است؟ به همین دلیل ما گفتیم اگر ازدواج کنیم زاییدن ما زیر بار زندگی طبیعی جلوه می‌کند.

دوقلوی گاو: همچنین سال‌هاست که گاو ما از دست اوضاع سیاسی - اقتصادی دوقلو زاییده است؛ گاو بدبخت که به دلیل خطای پزشکی سر زارفت و من را تنها گذاشت. آیا بنده می‌توانستم به‌تنهایی دوقلوی رنج و غم زندگی در خاورمیانه را بزرگ کنم؟

موضوع انشا: - دوست داری در آینده چه‌کاره شوی؟

: داماد.

سؤال فلسفی: البته سؤال اساسی این است؛ «الان که همه دارند ول می‌کنند تو چرا گرفتی؟» جواب بنده این است؛ من کدام کارم شبیه آدمیزاد بوده که این یکی؟ و جواب دوم این است دلم خواست.

نویسنده اصلاح‌ناپذیر: در پایان به اطلاع خوانندگان ستون میدون و سوفیا و روزنامه «شرق» می‌رسانم خیلی‌ها که می‌روند خیلی‌ها که «دوتا» می‌شوند گذشته‌شان را می‌پوسند و دست از کارهای قبلی برمی‌دارند، اما نگران نباشید، نویسنده این ستون به تشخیص آن مقام محترم «اصلاح‌ناپذیر» است و درست‌بشو نیست و به نوشتن ادامه می‌دهد.

هدیه و بازنگرده پس فرستاده:؟ ممکن است دوستان و خوانندگان بپرسند به مناسبت این وصلت فرخنده چه‌کار کنند و چطوری در شادی ما شرکت کنند؟ جواب ما این است؛ کارت‌به‌کارت.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

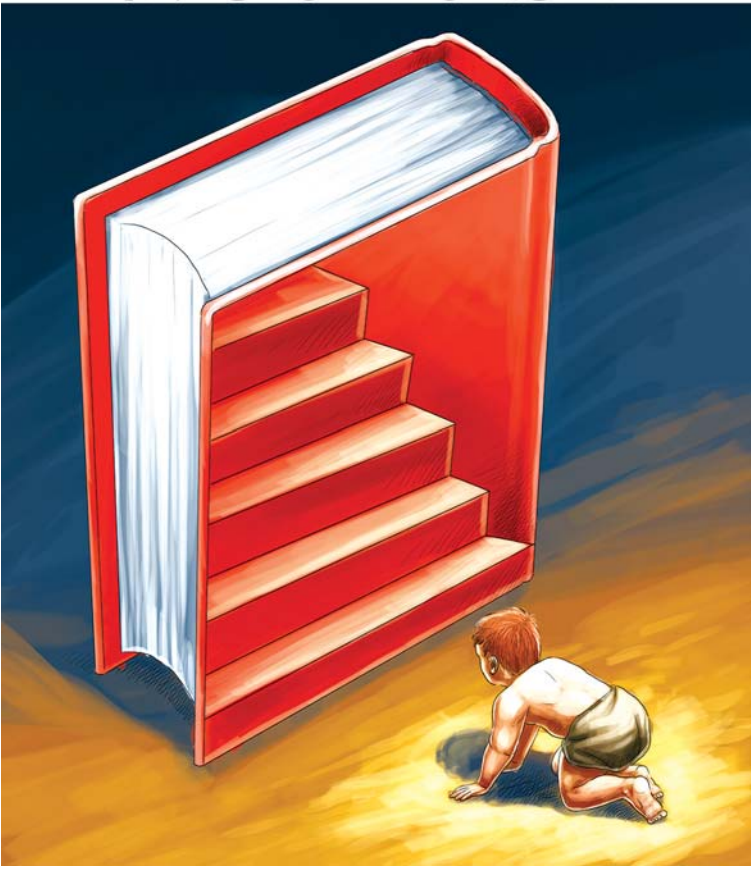
شنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ ۱۸ شعبان ۱۴۳۹ ۵ می ۲۰۱۸ سال پانزدهم ۳۱۳۹ شماره ۱۶ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ اذان مغرب ۲۰:۱۴ اذان صبح فردا ۴:۳۳ طلوع آفتاب ۶:۰۷

روزنارضا

کارتون خواب

جلال پیرمرز آباد

به بهانه سی و یکمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران



میدون و سوفیا

ستون خصوصی!

● **بوریا عالمی**: ما اینجا خیلی مسائل خصوصی‌مان را مطرح نمی‌کنیم، اما می‌دانید که در خاورمیانه مسئله خصوصی در ادبیات علمی - تخیلی دسته‌بندی می‌شود، چون خصوصی‌ترین مسائل شما عمومی است و مدعی پیدا می‌کند.

وزن مسئولان: خلاصه ما خواستیم بگوییم در این سال‌ها مسئولان عملا با هر سخنرانی، صبر و تحمل ملت را داماد می‌کردند، این‌قدر که ما همیشه وزن یک مسئول را روی خودمان احساس می‌کردیم، تا اینکه ما رسماً داماد شدیم. البته دامادشدن فضیلت نیست، اما به یکی گفتند چرا ازدواج کردی؟ گفت چون توی زندگی هیچی نشدم گفتم داماد شم!

ساز سرخود: بعد هم به‌هرحال سال‌هاست مسئولان هر سازی زدند ما رقصیدیم، طوری که الان نرده می‌رقصیم و هی تکرار می‌کنیم. خب، دیشب ما تصمیم گرفتیم مسئولیت مسئولان را برعهده بگیریم و یک‌بار ما بزнім دیگران برقصد.

خالی خالی: از طرفی ما ازدواج‌نکرده زیر فشار زندگی زاییده بودیم و همین زاییدن ما سبب شده بود که اطرافیان‌هی بی‌رسند - به قول فیلسوف معاصر، کلاقم‌ری - عالمی چطوری خالی خالی زاییده است؟ به همین دلیل ما گفتیم اگر ازدواج کنیم زاییدن ما زیر بار زندگی طبیعی جلوه می‌کند.

دوقلوی گاو: همچنین سال‌هاست که گاو ما از دست اوضاع سیاسی - اقتصادی دوقلو زاییده است؛ گاو بدبخت که به دلیل خطای پزشکی سر زارفت و من را تنها گذاشت. آیا بنده می‌توانستم به‌تنهایی دوقلوی رنج و غم زندگی در خاورمیانه را بزرگ کنم؟

موضوع انشا: - دوست داری در آینده چه‌کاره شوی؟

: داماد.

سؤال فلسفی: البته سؤال اساسی این است؛ «الان که همه دارند ول می‌کنند تو چرا گرفتی؟» جواب بنده این است؛ من کدام کارم شبیه آدمیزاد بوده که این یکی؟ و جواب دوم این است دلم خواست.

نویسنده اصلاح‌ناپذیر: در پایان به اطلاع خوانندگان ستون میدون و سوفیا و روزنامه «شرق» می‌رسانم خیلی‌ها که می‌روند خیلی‌ها که «دوتا» می‌شوند گذشته‌شان را می‌پوسند و دست از کارهای قبلی برمی‌دارند، اما نگران نباشید، نویسنده این ستون به تشخیص آن مقام محترم «اصلاح‌ناپذیر» است و درست‌بشو نیست و به نوشتن ادامه می‌دهد.

هدیه و بازنگرده پس فرستاده:؟ ممکن است دوستان و خوانندگان بپرسند به مناسبت این وصلت فرخنده چه‌کار کنند و چطوری در شادی ما شرکت کنند؟ جواب ما این است؛ کارت‌به‌کارت.

یادداشت

چرا گفت‌وگوی صلح بین ۲ کره تا این اندازه عجیب است؟

از رفتارهای صلح‌آمیز امری متاخر در جوامع انسانی هستد. گونه انسان خردمند چیزی حدود ۱۲۰ هزار سال و حتی با توجه به یافته‌های جدید چیزی حدود ۳۰۰ هزار سال قدمت دارد. گونه‌ای که عمده‌ترین زمان خود را به شکار پرداخته است و انقلاب کشاورزی یعنی چیزی که انسان را از شکار خارج کرد، حداکثر ۱۰ هزار سال قدمت دارد که زمان چندان طولانی‌ای نیست. برای همین است که انسان می‌خواهد بکشد. می‌خواهد همه‌چیز را نابود کند تا منافع خود را تضمین کند. فقط کافی است به اطراف خود نگاه کنیم و ببینیم چگونه انسان‌ها به جان هم افتاده‌اند. به زندگی خودمان نگاه کنیم. ببینیم چقدر فاجعه‌های بزرگ انسانی را دیده‌ایم. واقعا چه کسی باور می‌کرد که انسان از دو جنگ بزرگ جهانی درس نگیرد و این‌گونه باز دست به کشتارهای متمادی بزند. داستان طبیعت و ژنتیک و انسان داستان غریبی است. ازاین‌رو به هر چیزی که این داستان را در هم بشکند و داستان جدیدی تعریف کند، باید ارج داده شود. دیدار دو رهبر کره از این‌گونه روایت‌های تازه است. چیزی است که ناگهان در رگ‌های خشکیده جهان خونی تازه می‌مدد.

می‌افزود. به نظر می‌رسید حاکمان کره‌شمالی نیز قصد کوتاه‌آمدن نداشته باشند و چین نیز بیشتر داشت از آب گل‌آلود ماهی می‌گرفت. در این میان کشورهایی مانند کره‌جنوبی و ژاپن بر خود می‌لرزیدند و هر بار با هر آزمایش تسلیحاتی کره‌شمالی بیش از پیش سایه سیاه جنگ را بر سر خود حس می‌کردند. اما ناگهان چنانکه شرخش آمد، ورق برگشت و رهبر جوان کره‌شمالی تصمیم گرفت درهای کشورش را به سوی جهانیان باز کند. این موضع بیشتر به یک پارادوکس شباهت دارد. تحلیلگران سیاسی این حرکت کیم جونگ اون را ناشی از تحریم‌های فلج‌کننده‌ای می‌دانند که اقتصاد این کشور را عملا بی‌مصرف کرده است. بی‌شک این تحریم‌ها بسیار مؤثر است، اما موضوع عمیق‌تر از این حرف‌هاست و امیدوارم محققان و مورخان تمام جوانب این اتفاق بزرگ را مشخص و تحلیل کنند. واقعا عادی‌ترین واکنش در این جریان جنگیدن و شاخ‌وشانه‌کشیدن بین دو طرف بود. این سرشت انسانی است. وقتی از نظر تکاملی به موضوع نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که جنگ برای بقا مهم‌ترین دویعه ژنتیکی ما طی تکامل است. در واقع باید توجه داشت که بسیاری



دکترعبدالرضا ناصرمقددسی

آنچه در رسانه‌ها آمد، یک بمب خبری بود. هیچ‌کس فکر نمی‌کرد رؤسای جمهوری دو کره این‌گونه دست هم را بفشارند و از شبه‌جزیره‌ای عاری از سلاح‌های اتمی سخن بگویند. همه‌چیز ناگهان شروع شد. المپیک زمستانی کره صحنه یک حرکت بسیار بدیع دیپلماتیک بود. خواهر کیم جونگ اون در صدر یک هیئت‌عالی‌رتبه وارد کره‌جنوبی شد و ورزشکاران دو کره تحت یک پرچم مشترک وارد رقابت شدند. بعد از آن سیر تحولات بسیار سریع بود. تحولاتی که در سه ماه به دیدار دو رئیس‌جمهور منتهی شد و حالا هم صحبت از دیدار قریب‌الوقوع بین کیم جونگ اون و ترامپ است. هیچ‌کس اصلا تصور چنین ارتقا و دگرگونی‌ای را در سیاست خارجی کره‌شمالی نداشت. تا همین سه ماه پیش وقوع جنگ در شبه‌جزیره کره بسیار محتمل بود، به‌خصوص حضور کسی مانند ترامپ بر این احتمال

روایت

در ضرورت تماشای «عصبانی نیستم!»

گیسو فغفوری

سرانجام پس از پنج سال و پس از پنج مجوز، اکران فیلم «عصبانی نیستم»، ساخته رضا درمیشیان، در سالن‌های تهران آغاز شد. در این مدت کمتر کسی فهمید دلیل این توقیف یا عدم اکران یا... چه چیزی بود؛ فیلمی که دست‌فروش‌ها آن را همان سال ۹۲ کی و پخش کردند؛ فیلمی که «رضا درمیشیان»، کارگردان نجیب و همراه آن، به هر گفته و خواهش و دستور مدیران مختلف سینمایی در این پنج سال اهمیت داد و سعی کرد که ماجرا با خوبی و خوشی حل شود.

کارگردانی که اجازه داد فیلم دیگری به‌جای فیلمش در سالن مطبوعات پخش شود، سیمرغ‌های جشنواره‌اش را بخشید و روانه جشنواره برلین شد و صبر کرد و صبر کرد و صبر کرد و صبر کرد و پنج‌بار مجوز اکران گرفت و هر بار که گفتند قرار است اکران شود تمام مقدمات اکران را با خون‌اندل انجام داد، درحالی‌که اندکی امید داشت. سینماگران برای اکران این فیلم نامه نوشتند و اکنون مردم به او پاداش داده‌اند و در کمتر از سه روز در ۲۱ سالن حدود ۴۰۰ میلیون تومان فروش داشته است.

این فیلم یکی از مصداق‌های بارز فیلم‌سازی اجتماعی است؛ فیلم‌سازی جوان که روایت‌هایی از درون مردم و جامعه را روی پرده سینما می‌آورد، همان‌طور که در فیلم «بغض» در سال ۹۰ و فیلم بعدی‌اش، «لانتوری» ۹۴ این مسائل را مدنظر دارد و هر بار یک اتفاق اجتماعی را به تصویر می‌کشد.

این فیلم در سال ۹۲ ساخته شده است؛ پس از اینکه دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد به پایان رسیده بود؛ اشاره‌ای گذرا به اتفاقات سال‌های اخیر ، روایتی از جوانانی که از هر طرف می‌رفتند با مشکل روبه‌رو می‌شدند. یک دانشجوی ستاره‌دار که نمی‌خواهد از کنار مسائل به‌راحتی بگذرد، نمی‌خواهد همه نابرابری‌ها را فراموش کند، نمی‌خواهد به‌آسانی از کنار شرایطی که به او و خیلی از دوستانش تحمیل شده است بگذرد و نمی‌خواهد هر بار سر خم کند. او به هر کاری رو می‌آورد، نکته‌ای از ناراستی را می‌بیند؛ نکته‌ای که بسیاری آن را به‌عنوان بخشی از زندگی روزمره می‌پذیرند و از کنارش عبور می‌کنند. نوید این فیلم می‌تواند بشود یکی از هزاران جوان دیگر سرخورده‌ای که قرار است با رانده‌شدن از دانشگاه در بستر اجتماع راهش را پیدا و در کنار کجی‌ها زندگی کند، اما جوان خروشان فیلم با بازی «نوید محمدزاده» قرار نیست به همین سادگی بشود یکی از هزاران. حتی عشق و علاقه و همراهی ستاره (باران کوثری) نیز برای اینکه بتواند از پس این حجم ناراستی و فشار برآید کافی نیست. این فیلم روایت بسیاری از کسانی است که اتفاقات سال ۸۸ بر زندگی آنها مؤثر بود. کسانی که با سیاست‌های غلط دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی نژاد دچار مشکلات متعددی شده‌اند. کسانی که دچار بی‌کاری و وضعیت متزلزل شده‌اند.

کسانی که یک‌شبه پولدار شدند و کسانی که یک‌شبه زندگی‌شان از دست رفته است. در نهایت این فیلم با تمام فرازونشیب‌های قبل از اکران می‌تواند یک روایت سینمایی مهم برای یادآوری گذشته‌ای که پشت‌سر گذاشته‌ایم و شاید فراموش کرده‌ایم و عبرت و یادگاری برای آیندگان باشد. سال‌ها پیش رخشان بنی‌اعتماد از قول شخصیت ایزود آخر «قصه‌ها، گفت که هیچ فیلمی در قفسه نمی‌ماند. اکران فیلم «عصبانی نیستم!» که باری از دوش مسئولان برداشته و شادی را برای سازندگان فیلم به‌همراه داشته است، مصداق بارز این گفته است. حالا باید منتظر بمانیم که وعده سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی نیز عملی شود و فیلم‌های دیگر نظیر «آشغال‌های دوست‌داشتنی» از محسن امیریوسفی و آثار دیگر کارگردانانی نظیر عبدالرضا کاهانی و... نیز روی پرده بیایند و یک‌بار دیگر مخالفان نیز باور کنند که با نمایش فیلم‌ها قرار نیست ارزشی، بی‌ارزش شود و فقط سطح آگاهی افزایش می‌یابد.

پرنده آبی

از فیلتر تا نمایشگاه کتاب

دنیا کاربران مجازی درگیر ماجرای فیلترکردن تلگرام بود. هرکس تجربه خود را در میان می‌گذاشت و از مشکلاتی که درگیرش شده بود صحبت می‌کرد. خانواده‌های مختلف، مادر و پدرهای مسنی که با سختی حذف تلگرام روبه‌رو شده بودند، در کنار برخی از تجربه‌های حضور در پیام‌رسان‌های داخلی، اهدای پنج میلیارد تومان کمک به پیام‌رسان‌ها، البته آپدیت‌نشدن کانال تلگرامی مرکز لرزه‌نگاری کشوری @IranianSeismologicalCenter که وظیفه ملی ثبت و اطلاع‌رسانی زمین‌لرزه‌های کشور را برعهده دارد، به‌خاطر بخش‌نام دولت برای اجبار استفاده از پیام‌رسان داخلی با اعتراض روبه‌رو شده بود، چراکه گزارشی از #لرزه //ساوج منتشر نکرده است. عدم حضور روحانی در روزی که فیلترینگ تلگرام رخ داد در افتتاحیه نمایشگاه کتاب امسال یکی از اتفاق‌هایی بود که با اعتراض کاربران روبه‌رو شد. از نظر کاربران این بی‌توجهی روحانی به نمایشگاه کتاب از عمق عدم توجه او به فرهنگ سرچشمه می‌گرفت؛ رفتاری که نشان می‌داد او فقط در مواقعی که لازم دارد به سراغ فرهنگ و کتاب می‌رود. وقتی او در یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی شرکت نمی‌کند یعنی مسائل فرهنگی را اتفاقی دست‌چندم می‌داند. از سوی دیگر این خبر فارس از رویتیز مورد توجه قرار گرفت که طبق اعلام شورای جهانی طلا، تقاضا برای سکه و شمش طلا در ایران در سه‌ماهه نخست ۲۰۱۸ مصادف با زمستان به ۹۶ و ۹۰۳ تن افزایش یافته و به بالاترین رقم در سه سال اخیر رسیده است. پس با کاهش ارزش ریال و افزایش نگرانی‌ها در مورد خروج آمریکا از توافق هسته‌ای و بازگشت تحریم‌ها، رغبت ایرانی‌ها در سه‌ماهه نخست امسال به خرید طلا افزایش یافته است.

زنان

زنان کارگر خانگی؛ تقاطع انواع تبعیض‌ها



مینو مرتاضی‌لنگرودی

بدن و ذهن زنان کارگر خانگی را می‌توان در تقاطع و گره‌گاه انواع تبعیض‌ها دید و شناسایی کرد. هرچند تصویر زنان کارگر خانگی امروزی با تصاویر سنتی از زنان کارگر بسیار فاصله گرفته است؛ بسیاری از زنانی که امروز در مقام کارگر و مستخدم در خانه‌ها به کار شست‌وشو و رفت‌وروب و آشپزی و نگهداری از سالمندان و کودکان مشغول‌اند، تحصیل‌کرده‌اند و کار را عار نمی‌انند؛ بسیاری از زنان کارگر خانگی امروزی زنان سرپرست خانوارند. آنها مانند بسیاری از مردان تحصیل‌کرده که برای نجات از بی‌کاری و کسب درآمد به مشاغل غیرمرتبط با تحصیلاتشان تن می‌دهند، کار خانگی روزمزد را امکانی موقت برای کسب درآمد و رهایی از بی‌کاری می‌دانند. درعین‌حال، به‌روشنی پیداست زنان کارگر خانگی، به‌دلیل کار غیررسمی، منزلت اجتماعی و قانونی مناسبی ندارند.

آنها از تأمینات اجتماعی و حق بیمه و حق ازکارافتادگی و بازنشستگی و حق اوقات فراغت و مرخصی با حقوق بی‌بهره هستند. زنان کارگر خانگی معمولاً شش روز در هفته و ورزی هشت تا ۱۰ ساعت کار می‌کنند؛ از جمله مشقات کاری آنها یکی این است که آنها صاحب‌کاران متعدد با خلق‌وخوی‌های متفاوت دارند.

درعین‌حال زنانی که در خانه‌های مردم به کارهای خانه می‌پردازند، به‌دلیل بی‌اهمیت‌بودن کار خانگی، اعتبار و منزلت اجتماعی برابر با زنان و مردان شاغل در کارخانه‌ها و مراکز تولیدی را ندارند. زنان کارگر خانگی به‌دلیل تنظیم‌نکردن روابط کار و نداشتن حمایت‌های قانونی، دائماً در اضطراب از دست‌دادن کار و درآمد اندک خویش به‌سر می‌برند. این دسته از زنان کارگر-براساس اصول کار شایسته که شامل برابری و امنیت و کرامت انسانی در جامعه و خانواده است، باید بتوانند از تأمین اجتماعی بهره‌مند شوند.

درحالی‌که آنها به‌دلیل فعالیت در بخش غیررسمی اقتصاد و هم به‌دلیل اینکه نتوانسته‌اند تشکل صنفی خاص خود را به‌وجود بیاورند، قادر نیستند در اجتماع در جایگاه تشکل کارگری خود را معرفی کنند. بدین‌ترتیب، آنها از امکان حضور در نشست‌های سه‌جانبه‌گرایی و داشتن حداقل‌های حقوق و دستمزد استاندارد هم محروم مانده‌اند.

اصطلاح کار خانگی به معنای نوع مشخصی از کار نیست، بلکه مجموعه‌ای از همه کارهاست. همه صنایع روزگاری کار یا تولیدی خانگی بوده‌اند که درراستای تحکیم منافع و سلامت و رشد خانواده، ابداع یا اختراع شده‌اند. بسیاری از صنایع و مشاغلی که پیش‌تر خانگی محسوب می‌شدند، ارتقا و رشد و منزلتی خاص در جامعه یافته‌اند جز خانه‌داری و کار خانگی که همچنان به چشم فعالیت‌ای ابتدایی و غیرتخصصی و تکراری و تباه‌شونده بدان نگریده می‌شود.

درحالی‌که هریک از کارهای خانگی مثل آشپزی و رفت‌وروب و خرید و پرستاری و مدیریت خانه و میهمانداری، خارج از چارچوب خانه و روابط خانوادگی، در اقتصاد رسمی هریک به‌منزله یک شغل اعتبار و منزلت دارند و تحت‌شمول قانون کار قرار می‌گیرند، اما چون خانه‌داری کاری بی‌اهمیت و پیش‌پاافتاده و فاقد سودآوری تلقی می‌شود، زنان کارگر خانگی نیز فعالیت‌ها و کارشان تحت شمول هیچ‌یک از قوانین وزارت کار نبوده و عملاً تحت هیچ پوششی قرار نمی‌گیرند؛ به این معنی آنها خارج از دسترسی رسمی قانون فعالیت می‌کنند. زنانی که به کار خانگی در خانه‌ها روی می‌آورند معمولاً کسانی هستند که جانشان از بی‌کاری و بی‌پولی به لب رسیده است و از افسار کم‌درآمد یا بهتر بگوییم فاقد درآمد مشخص و قانونمندند؛ آنها نمی‌توانند برای مدت زمان زیادی در فقدان تأمینات اجتماعی، مانند بیمه بی‌کاری و بیمه درمانی و دیگر حمایت‌های معادل آن، بی‌کار بمانند.

بنابراین عمده‌تا به کار در خانه‌ها یا کار در بخش‌های غیررسمی می‌پردازند تا زندگی خود را تأمین کنند، چون در بیشتر موارد هیچ قرارداد کاری‌ای بین کارفرما و زنان کارگر خانگی بسته نمی‌شود؛ زنان کارگر خانگی زانانی با کار قانونی اما غیررسمی شناخته می‌شوند. با کار غیررسمی نمی‌توان در صورت لزوم به عنوان یک مسئله حقوقی یا قانونی برخورد کرد؛ بنابراین زنان کارگر خانگی در برابر آسیب‌ها و تبعیض‌های نهفته و نهاده‌نشده در کارهای غیررسمی چونان گره‌گاه انواع تبعیض‌ها واقع شده‌اند. آنها علاوه بر تبعیض‌های رایج جنسیتی، از تبعیض‌های طبقاتی و قانونی و حقوقی هم رنج می‌برند و در برابر این حجم از تبعیض‌ها بی‌پناه رها شده‌اند.

براسیدن روز کارگر فرصتی فراهم می‌کند تا به‌طور جدی‌تر شرایط زیست و زندگی تبعیض‌آلود کارگران، به‌ویژه زنان کارگر در اقتصاد غیررسمی ازسوی دولت موردتوجه جدی قرار گیرد و مجلس با ترمیم و اصلاح قوانین مربوط به کار، زنان کارگر-خانگی را در پناه قانون کار قرار دهد. جامعه کار آنان را به‌رسمیت بشناسد و با قدرشناسی، کرامت انسانی آنها را پاس دارد. باشد تا فقر و بی‌کاری و دیگر آسیب‌های اجتماعی نتوانند بیش از این که موجود است، چهره خود را زاننه برگ کنند.